روزنامه شرق

سیاست

محجوب بررسی کرد: مناسبات سعید مرتضوی و بابک زنجانی — صفحه ۸

میراث مرتضوی برای سازمان تامین اجتماعی — صفحه ۹

روزنامه — صفحه ۱۰

عکس: آیدین رهبر، شرق

از دادگاه مطبوعات تا تحقیق و تفحص مجلس

همه ماجراهای «سعید مرتضوی»

شرق: سردبیر: «وضعیت زندان بد است از سرما دیشب نخوابیدم، دندانم آبسه کرده و نگذاشتند به پزشکم مراجعه کنم.» «مرتضوی»: «پس چگونه این همه حرف می‌زنید. شما که خیلی قشنگ حرف می‌زنید... خلاصه کنید من به فکر دندان شما هستم!» (بخشی از یک مکالمه‌ای در آبان‌ماه ۷۸ بین رییس شعبه ۱۴۱۰ یا همان دادگاه معروف مطبوعات و سردبیر یک روزنامه توقیف‌شده.)

قاضی کم‌سن‌وسالی که با لهجه غلیظ یزدی صحبت می‌کرد و تازه چندسالی بود به پایتخت منتقل شده بود را تا پیش از سال ۷۸ کسی نمی‌شناخت اما از وقتی مدیران‌مسوول روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران کم‌کم سروکارشان به آن شعبه افتاد، نام «سعید مرتضوی» هم بر سرزبان‌ها افتاد. توقیف ۱۲۰روزنامه و نشریه، کارنامه مطبوعاتی قاضی «مرتضوی» است. «سعید مرتضوی» برای توقیف یک اصل داشت که ترجیع‌بند همه احکام توقیفش بود و آن هم قانون مصوب سال ۳۹ در پیشگیری از ارتکاب جرم بود؛ مثلا در نامه‌ای به وزیر ارشاد نوشت: «با عنایت به عدم‌توجه مدیرمسوول روزنامه «ملت‌ما» به تذکرات و نصایح مسوولان نظام و عدم‌اعتنا به اقدامات پیشگیرانه دادگستری درخصوص سایر نشریات متخلف به حکم وظیفه قانونی در پیش‌گیری از اقدامات مجرمانه در جهت بحران‌سازی و ناامن کردن فضای مطبوعات کشور قرار توقیف موقت روزنامه ملت صادر شد.» «مرتضوی» اما تنها روزنامه توقیف نمی‌کرد، بسیاری از مدیران‌مسوول، سردبیران و روزنامه‌نگاران سروکارشان با مرتضوی افتاد و با احکام حبس و جزای نقدی و محرومیت‌های کاری روبه‌رو شدند. محاکمه سه‌نفر از مدیران شرکت جامعه روز، سردبیر روزنامه «نشاط» و مدیرمسوول روزنامه «نوروز» آن سال‌ها جنجال‌ساز شد. جلسات دادگاه، گاه بسیار طولانی می‌شد، مثلا دادگاه مدیرمسوول «نوروز» بیش از هشت‌جلسه طول کشید و روزنامه‌ها مفصل به آن پرداختند. یک‌بار هم که دادگاه یک سردبیر هشت‌ساعت طول کشیده بود «مرتضوی» از اتاقش بیرون آمد و به خبرنگاران گفت: «آقایان و خانم‌های خبرنگار معطل نشوند تا هفت‌شب کار داریم خبر را بعد می‌دهیم.» در شکوابیه برخی خانواده زندانیان مطبوعاتی از او، به حذف ملاقات به مدت سه‌ماه، قطع تماس تلفنی بیش از چهارماه اشاره شده بود. خانواده‌ها معتقد بودند حتی بعد از دستور ویژه آیت‌الله «شاهرودی» درخصوص این زندانیان، «سعید مرتضوی» حاضر به تمکین نشده است. در آن سال‌های آخر دهه ۷۰ و اوایل ۸۰ «مرتضوی» هرچه به مطبوعات مرتبط بود را رصد می‌کرد. حتی قانون مطبوعات و طرح تشکیل هیات‌منصفه در مجلس را هم دنبال می‌کرد. او سال ۸۰ نامه‌ای به کمیسیون امنیت ملی مجلس نوشت و با طرح هفت اشکال به آن خواستار استرداد طرح مجلس شده بود. او به هرچیزی که به مطبوعات مربوط بود ورود می‌کرد، مثلا سال ۷۹ که به علت توقیف چند روزنامه، روزنامه «مشارکت» شمارگان خود را افزایش داد و در دو نوبت منتشر شد «مرتضوی» تذکر داد که روزنامه از آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات تخلف کرده است. این درحالی بود که معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد چاپ دوم را بلامانع اعلام کرد و گفت: «اعلام تخلف اداری از ماده یک آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات برعهده هیات نظارت بر مطبوعات است.» در آن سال‌ها «مرتضوی» حتی نمایندگان مجلس را هم احضار می‌کرد اگرچه بعدا گفت که این احضارها ربطی به سمت نمایندگی‌شان ندارد.

شیوه‌های مرتضوی

آنها که سروکارشان با قاضی سابق افتاده همگی متفق‌القولند که او شیوه‌های خاص خودش را در برخورد با مخاطب دارد. این مخاطب می‌تواند هرکسی باشد یک متهم یا هر شخص دیگری. نمونه‌اش تجربه «محمدصادق جوادی‌حصار» مدیرمسوول روزنامه توس و «محمدحسین خوشوقت» مدیرکل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد دولت اصلاحات است که در زمان خود رسانه‌ای شد. تیر ۷۷ «آیت‌الله یزدی»، رییس وقت قوه‌قضاییه در نمازجمعه سخنرانی ایراد می‌کند و متعاقب آن روز شنبه بعد از آن «سعید مرتضوی» دستور توقیف روزنامه توس را صادر می‌کند. دو روز بعد اما قوه‌قضاییه دستور به لغو توقیف می‌دهد. «جوادی حصار» که برای دریافت حکم لغو توقیف به دادگستری مراجعه می‌کند اما خود را در برابر دادگاهی دونفره می‌بیند که قاضی و شاکی‌اش خود «سعید مرتضوی» است. «سعید مرتضوی» به او می‌گوید: «چیزی نیست برای این است که من مستمسکی برای لغو دستور خودم داشته باشم.»

«مرتضوی» سال ۸۲ به مقام دادستانی تهران رسید. آن سال‌ها در مقایسه با سال‌های قبل و بعد، به نوعی سال‌های کم‌خبری «مرتضوی» محسوب می‌شود. به جز یک مورد که باز نام او را بر زبان‌ها انداخت؛ قضیه مرگ «زهرا کاظمی» خبرنگار کانادایی ایرانی‌الاصل که در مسافرت به ایران به جرم عکسبرداری حین تجمع برخی از خانواده‌های زندانیان در مقابل زندان اوین، بازداشت شد. اما آنچه باز پای «مرتضوی» را به این قضیه باز کرد، گزارش وزارت اطلاعات وقت بود که تاکید می‌کرد: «روند رسیدگی به پرونده «زهرا کاظمی» و متهم‌شدن دو مامور اطلاعاتی از سوی دادستانی تهران انحرافی است.» از سوی دیگر بخشی از روایتی که در گزارش کمیته بررسی و تحقیق مجلس ششم آمد و در صحن علنی قرائت شد، پای قاضی سابق را به میان کشیده بود. در این گزارش آمده بود: «دادستان تهران «خوشوقت» مدیرکل مطبوعات خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را ساعت‌ها احضار و بدون اطلاع وزیر فرهنگ مجبور به مصاحبه با خبرگزاری جمهوری‌اسلامی می‌کند و از او می‌خواهد که علت فوت متهمه را «سکته مغزی» اعلام کند. «مرتضوی» در پاسخ؛ برای مجلس جوابیه می‌فرستد و می‌گوید که مصاحبه، خواست خود «خوشوقت» بوده که برای دریافت اطلاعات و سوابق «زهرا کاظمی» و اینکه مطمئن شود وزارت اطلاعات او را تایید نکرده بوده به دادسرا مراجعه کرده است.» این پاسخ با واکنش «خوشوقت» روبه‌رو می‌شود و درجوابیه‌ای برای مجلس پاسخ «مرتضوی» را می‌دهد با این جمله که «دادستان تهران به گونه‌ای شگفت‌آور درخواست کرد آنچه او می‌گوید بنویسم.» «خوشوقت» با اشاره به دودیداری که با دادستان سابق داشته، می‌نویسد «مرتضوی» در یکی از دیدارها او را متهم می‌کند که به یک جاسوس مجوز داده و اینکه «شما متهم به معاونت در جرم هستید.» در نهایت اینکه مرتضوی به خوشوقت می‌گوید که قاضی پرونده قصد بازداشت او را داشته اما «مرتضوی» مانع شده است. «خوشوقت» در ادامه با اشاره به دیدار دوم خود با «مرتضوی» می‌نویسد: «در این دیدار آقای مرتضوی ابتدا به اینجانب خبر داد که خانم زهرا کاظمی فوت کرده است. ضمن اظهارتاسف به ایشان گفتم: خبرگزاری جمهوری‌اسلامی طی درخواست مصاحبه‌ای، راجع به چهار موضوع سوال کرده و من به آنها پاسخ داده و آماده ارسال متن مصاحبه برای تایید مسوولین ذی‌ربط بودم که شما مرا فراخواندید. دادستان محترم تهران، درخواست کرد تا متن را ببینند. پس از مطالعه آن، به‌گونه‌ای شگفتی‌آور درخواست کرد تا آنچه او می‌گوید، بنویسم! در پاسخ به او گفتم که اگر علاوه بر خبر درگذشت، اطلاعات جدیدی

هیچ‌یک از رخدادها خللی در موقعیت «مرتضوی» ایجاد نکرد مگر ماجرای بازداشتگاهی در جنوب پایتخت. دومینو بداقبالی مرتضوی در اصل از تابستان ۸۸ یک‌به‌یک شروع به افتادن کرد. مرداد ۸۹ اعلام شد که حکم تعلیق سه‌مقام قضایی مرتبط با تخلفات و جنایات سال۸۸ و مرگ سه‌متهم بازداشتگاه کهریزک صادر و به آنان ابلاغ شده است. «سعید مرتضوی» یکی از این قضات بود

از خانم زهرا کاظمی دارد بگوید، تا خود، آنگونه که صلاح می‌دانم نگارش کنم. ایشان موارد متعددی را از جمله «اظهار کسالت مشارالیها نزد بازجویان وزارت اطلاعات»، و «فوت به علت سکته مغزی» را مطرح کرد تا پس از تنظیم متن مصاحبه از سوی اینجانب و هماهنگی نهایی با وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی در اختیار «ایرنا» قرار گیرد.»

سوالات کنکور و پالیزدار

نکته جالبی است که هر بار مجلس این سال‌ها برای تحقیق‌وتفحص به جایی یا موضوعی ورود کرده به نوعی پای«مرتضوی» هم در میان بوده است. درگزارش هیات تحقیق و تفحص مجلس هفتم از قوه‌قضاییه در سال ۱۳۸۷ هم باز پای او به میان کشیده شد. خبرگزاری «فارس» متن بیانیه اعضای هیات تحقیق و تفحص مجلس از قوه قضاییه را منتشر کرده بود که در آن اقدامات «سعید مرتضوی» دادستان وقت تهران در پرونده فروش سوالات کنکور «انتحار قضایی» توصیف شده بود. «زاکانی» نماینده تهران و یکی از اعضای این هیات، «مرتضوی» را متهم کرد که با از بین‌بردن آثار جرم و مفقودکردن پرونده‌های فروش سوالات کنکور از سراسر کشور موجب «کورکردن سرنخ‌های مربوط به پرونده فروش سوالات کنکور» شده است. ۲۰۸نماینده مجلس هفتم نیز در نامه‌ای به «محمود هاشمی‌شاهرودی»، رییس قوه‌قضاییه، خواستار تشکیل دادگاهی صالح، بی‌طرف و علنی برای رسیدگی به اتهامات «سعید مرتضوی»، دادستان تهران شدند. بسیاری معتقد بودند که بازداشت «پالیزدار» هم به‌نوعی به این پرونده مرتبط بوده است چراکه او وقتی دستگیر شد که یک‌سالی از آغاز سخنرانی‌های افشاگرانه‌اش در دانشگاه‌ها می‌گذشت و کسی کاری به او نداشت اما درست بعد از انتشار این گزارش بود که توسط دادستان تهران، یعنی «مرتضوی» بازداشت شد. «سعید مرتضوی» در نامه‌ای که در رسانه‌ها بازتاب گسترده‌ای داشت، نوشت: «آقای علیرضا زاکانی احضار برخی اعضای هیات تحقیق و تفحص از قوه‌قضاییه به‌دلیل ارتکاب تخلفات خارج از مسوولیت نمایندگی و سایر مرتبطین نگرانی فاحشی پیدا نموده و حالت اعتدال روانی خود را از دست داده است.» اما «زاکانی» گفت در مورد نقش «مرتضوی» برای ایجاد اخلال در پرونده فروش سوالات کنکور مدارکی را در اختیار دارد.

آغاز پایان

هیچ‌یک از این رخدادها اما خللی در موقعیت «مرتضوی» ایجاد نکرد مگر ماجرای بازداشتگاهی در جنوب پایتخت. دومینو بداقبالی او در اصل از تابستان ۸۸ یک‌به‌یک شروع به افتادن کرد. مرداد ۸۹ اعلام شد که حکم تعلیق سه‌مقام قضایی مرتبط با تخلفات و جنایات سال۸۸ و مرگ سه‌متهم بازداشتگاه کهریزک صادر و به آنان ابلاغ شده است. «سعید مرتضوی» یکی از این قضات بود. سازمان قضایی نیروهای مسلح پیش‌تر در گزارش خود از آمریت و مشارکت در گزارش خلاف واقع در خصوص علت و نحوه درگذشت سه‌نفر متهم بازداشتی خبر داده بود. منظور از گزارش خلاف واقع، گزارشی بود که علت مرگ این سه‌نفر را بیماری مننژیت اعلام کرده بود. در گزارش کمیته ویژه مجلس برای پیگیری حوادث بعد از انتخابات آمده بود: «در جلسه وقت کمیته با دادستان وقت انقلاب تهران یعنی «سعید مرتضوی» روز ششم مردادماه، او علت مرگ سه‌نفر را بر اساس بررسی‌های انجام‌شده از سوی پزشکی‌قانونی مننژیت اعلام کرده و بازداشتگاه کهریزک را مناسب و استاندارد دانسته و فقدان ظرفیت اوین را اصلی‌ترین علت انتقال بازداشت‌شدگان به کهریزک دانست. مجلس اما در ادامه گزارش خود نوشته بود که مسوولان اوین در جلسه‌ای اذعان کردند انتقال بازداشت‌شدگان به بهانه فقدان جا و ظرفیت زندان اوین مطلب صحیحی نیست. گزارش مجلس نشان می‌داد که زندانیان بازداشت‌شده برخلاف ادعای «مرتضوی» از مساحت کم، عدم وجود تهویه، فقدان آب و غذای مناسب و شنیدن فحش‌های رکیک و کلاغ‌پررفتن و ضرب‌وشتم و همجواری با اراذل‌واوباش و تحقیرشدن شکایت داشته‌اند. همین‌طور در این گزارش به نامه‌ای اشاره شده بود که فرماندهی «ناجا»ی تهران بزرگ اسفند۸۷ به دادستان وقت تهران نوشته است و در آن با اشاره به اینکه دادسراها بی‌رویه هر نوع متهمی را به کهریزک اعزام می‌کنند، از دادستان خواسته بود ابلاغ کند که مانند قبل فقط متهمان اراذل و اوباش و مجرمان خطرناک را اعزام کند. در نهایت دونماینده مجلس یعنی «زهره الهیان» و «علیرضا زاکانی»همان زمان گفتند که «مرتضوی» از دستور رهبری تمرد کرده است. به گفته آنها درحالی که ۲۰تیر رهبری دستور تعطیلی بازداشتگاه کهریزک را می‌دهد و خبر از طریق «سعید جلیلی» به «مرتضوی» می‌رسد، اما بازداشتگاه مردادماه تعطیل می‌شود.

بخت‌آزمایی در دولت

«مرتضوی» در پاسخ به گزارش کمیته، جوابیه مفصلی به گزارش مجلس داد، گرچه آن زمان او تصورش را هم نمی‌کرد که تازه ابتدای راه است، به‌ویژه که از سوی «احمدی‌نژاد» هم به ریاست ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز رسیده بود. او اگر از یک قوه اخراج شده و قوه دیگر هم او را در مظان اتهام قرار داده بود، اما قوه‌مجریه به‌شدت حامی‌اش بود. پس در پاسخ به مجلس نوشت: «عمده مدتی که ۱۴۷نفر از متهمان آشوب های ۱۸تیر در کهریزک به‌سر می‌بردند، اینجانب در مرخصی بودم و این مرخصی به‌لحاظ اینکه مربوط به ایام دفاع از رساله دکتری است از پنجماه قبل تنظیم و تاریخ دفاع از سوی دانشگاه اعلام شده بود بنابراین باتوجه به اینکه اینجانب در شش‌ماه قبل از این تاریخ به‌لحاظ ضرورت کاری و زمانی از مرخصی برای هیچ موضوعی استفاده نکرده بودم، این چند روز در محل کار نبوده و در مرخصی به‌سر می‌بردم بنابراین انتساب مطالب مورد اشاره برخی رسانه‌ها به فردی که در ایام مذکور در مرخصی بوده، اشتباهی است که از روی غرض‌ورزی طراحی می‌گردد.» مرتضوی اضافه کرده بود: «در جلسه صبح روز جمعه کمیته سیاسی امنیتی شورایعالی امنیت ملی و طرح موضوع در جلسه با معاون امنیت دادسرای تهران و قاضی رسیدگی‌کننده تماس گرفته و تاکید کردم که اگر افراد تحصیلکرده یا دانشجو بین بازداشت‌شدگان باشند به هیچ‌وجه به کهریزک اعزام نشوند.» این درحالی است که اخیرا سردار «احمدی مقدم» فرمانده نیروی انتظامی اعلام کرده است: «آقای مرتضوی اصرار داشت افراد دستگیرشده به کهریزک منتقل شوند. من مخالفتم را به صراحت اعلام کردم و گفتم آنجا نه‌تنها جا نداریم، بلکه آن مکان جای خطرناکی است. اما مرتضوی اصرار داشت که این افراد دستگیرشده چاقو، قمه و زنجیر داشته‌اند و از همین حیث اراذل‌واوباش محسوب می‌شوند که من در آن جلسه عنوان کردم ضبط کنید و بنویسید که من مخالف هستم و مخالفت ناجا نیز ثبت شد.» همه اینها اما برای «مرتضوی» مصونیت نخرید. اسفند ۹۱ اعلام شد دادگاه کیفری استان رسیدگی به اتهامات سه قاضی تعلیقی یعنی «مرتضوی»، «حداد» و «حیدری‌فر» را آغاز می‌کند. در کیفرخواست اتهام «مرتضوی» معاونت در «قتل»، «مشارکت در بازداشت غیرقانونی» و «معاونت در تنظیم گزارش خلاف واقع» از طریق امر یا ترغیب ماموران مربوطه به تنظیم گزارش خطاب به خود اعلام شده بود. دادگاه ۱۱جلسه به طول انجامید. هفت‌شاهد به دادگاه فراخوانده شدند و حکم بدوی صادر شد اما با اعتراض خانواده‌های شاکیان و خود متهمان به دیوانعالی کشور رفت.

ادامه در صفحه ۹

نگاه

هزینه سکوت

سیدموید حسینی‌صدر*

گاهی برخی مسایل رسانه‌ای می‌شود و در سطح وسیع خبر پراکنده می‌شود. دریافت کارت هدیه از سوی ۳۷نماینده هم از آن اخباری است که یک‌شبه در همه‌جا منتشر شد و حالا هم تبعات خوبی برای نمایندگان مجلس نهم به‌دنبال نداشته است. هر چند برخی از اهالی مجلس با برخی جمله‌ها می‌خواهند اصل ماجرا را جور دیگری توصیف کنند، اما نکته مهم در افشای این خبر، پاسخ دادن به افکارعمومی درباره جزییات آن است.

اگر ادعا می‌شود، نماینده‌ای کارت‌هدیه نگرفته که باید آقای مرتضوی پیش‌روی افکارعمومی و نمایندگان مجلس پاسخگوی این رفتارشان باشند و هزینه تهمت به نماینده را بپردازند. اگر هم واقعا سندی در کار است، بی‌هیچ مماشاتی باید اسناد و اسامی برای همگان مشخص شود. چرا که ۳۷نماینده کجا و ۲۹۰نماینده کجا؟

پیامد این خبر، دامنگیر تمامی نمایندگان مجلس شده است. اگر در اصل اسناد و مسایل تردیدی وجود داشته نباید اصولا رسانه‌ای می‌شد چرا که وقتی خبر در رسانه‌ها پیچیده همه به‌دنبال آن هستند که جزییات بیشتر مساله را واکاوی کنند و حق افکارعمومی است که بدانند نمایندگان مجلس آیا رقمی -هرچند مختصر- از سعید مرتضوی دریافت کرده‌اند یا خیر؟

شاید نفس دریافت مبالغ از برخی سازمان‌ها با هدف کمک‌کردن به نیازمندان قابل قبول باشد. اما در مورد آقای مرتضوی باید دید که چطور نماینده حاضر شده از فردی کارت هدیه دریافت کند که اصولا قانونی‌بودن ریاستش بر آن سازمان محل تردید بوده است. بگذریم از اینکه سعید مرتضوی در همان موقع یکی از متهمان پرونده «کهریزک» بوده و پرونده چندان مثبتی هم نداشته است. پیشنهاد من آن است که هیات‌رییسه در این زمینه روشنگری کرده و تمام جزییات را بدون‌هیچ کم‌وکاست در اختیار افکارعمومی قرار دهد. نه‌تنها مسایل و حاشیه‌های مجلس هشتم که فرصت آن رسیده تا تیمی منسجم درباره تمام حاشیه‌هایی که درباره دریافت منابع مالی در مجلس هشتم به گوش می‌رسد، نیز تحقیق لازم را انجام دهد. مجلس اعتبارش را از اعتماد مردم به تک‌تک نمایندگان می‌گیرد و اگر در این اعتماد خدشه‌ای وارد شود، آن وقت این خدشه چارچوب دموکراسی‌خواهی مردم را خدشه‌دار می‌کند. اگرچه برخی نمایندگان اعلان کرده‌اند که دریافت منابع مالی از سوی نمایندگان ایرادی ندارد و امری مرسوم است، اما همین اتفاق باید ما را به سمت «چارچوب‌مند» کردن دریافت هرگونه هدیه و بن و کارت ببرد. اگر نفس این کار اشتباه است که هیچ، اما اگر اشتباهی در نفس کار وجود ندارد، باید جزییات و شرایط برای همه مشخص شود.نمایندگان امین مردم در پارلمان ایران هستند و راستی و درستی رفتار آنها برای تمامی اشخاص، نهادها و سازمان‌ها و شاخص‌های اعتباری حایزاهمیت است. امیدوارم که پرونده بازشده درباره دریافت کارت‌هدیه از سوی ۳۷نماینده مجلس نهم، ختم به‌خیر شود. حالا این کدها، اسامی نمایندگان است یا تهمتی واهی، تشخیص آن بر عهده من نماینده نیست. اما از هیات‌رییسه می‌خواهم که هرچه سریع‌تر به این وضعیت رسیدگی کند.

*نماینده خوی

دریچه

در دفاع از دریافت «کارت هدیه»

روال عادی است

«محمدرضا باهنر»، نایب‌رئیس مجلس: اگر هر ۲۹۰نماینده هم بن کالا گرفته باشند روالی عادی است، چون بین مردم توزیع شده است. توقعات مردم از نمایندگان بسیار متنوع و در حوزه‌های زیادی همچون بهداشت، اشتغال، دانشگاه، وام و... تمام تلاش نمایندگان پاسخگویی به این توقعات است و در این شرایط اگر نمایندگان در طول سال، پنج یا شش‌میلیون‌تومان بن رفاه برای توزیع در حوزه انتخابیه‌شان یا بین افراد نیازمندی که می‌شناسند، بگیرند، مساله طبیعی و عادی است. مجلس نیز علاوه بر حقوق، به نمایندگان پولی می‌دهد که در ایام خاص همچون ماه محرم آن را بین هیات‌ها تقسیم کنند. به‌طور مثال نمایندگان در ایام محرم به هیات‌های مختلف سر می‌زنند که طبیعتا مطالبات بسیاری از سوی آنها مطرح می‌شود. مثلا در طول این سرکشی‌ها مردم از خراب‌بودن میکروفن هیات، بیرق و نداشتن موکت و موارد دیگر گلایه می‌کنند و نمایندگان نیز مبالغی برای رفع مشکل آنها در اختیارشان می‌گذارند. کمیته امداد در نزدیکی ایام عید نوروز به نمایندگان بن‌های یک، دو یا سه‌میلیونی می‌دهد تا بین مردم نیازمند پخش کنند. مثلا نمایندگان در حوزه انتخابیه‌شان ۵۰هزارتومان به فردی برای تامین بخشی از مایحتاج زندگی‌اش می‌دهند که ممکن است این رقم‌ها نیز تغییر پیدا کنند، این موارد نشان می‌دهند که اختصاص این بن‌ها کاملا طبیعی است. تفحص‌ها بیشتر به‌دنبال بخش‌هایی است که استفاده شخصی و غیرمعمول از پول‌ها کرده‌اند، این موضوع تنها مختص به نمایندگان نیست، مثلا در گزارش تحقیق‌وتفحص از سازمان تامین‌اجتماعی آمده که مثلا ۵۰۰میلیون‌ریال بن کالا به معاون اول وقت رییس‌جمهور داده شده است. اینکه به ۳۷، ۱۵۰ یا اصلا ۲۹۰ نماینده بن دو یا سه میلیونی فروشگاه رفاه یا مواردی از این دست داده شود، موضوعی معمولی است و همیشه نمایندگان این بن‌ها را برای توزیع بین مردم در حوزه انتخابیه‌شان می‌گیرند. مجلس در طول سال ممکن است سه یا چهارمیلیون پول در قالب‌های مختلف به نماینده علاوه بر حقوق رفت‌وآمدش بدهد تا آن را برای هزینه‌های ضروری و کمک به مردم مثلا در هیات‌ها خرج کنند. حال فرض بر این است که علاوه بر این مبلغ، مثلا کمیته امداد یک‌میلیون‌تومان بن کالا به نمایندگان بدهد تا بین مردم نیازمند تقسیم شود. طبیعتا نمایندگان نیز این پول‌ها را در حوزه انتخابیه‌شان تقسیم می‌کنند مثلا به این شیوه که به هیاتی رفته و پول صدکیلو برنج را تقبل می‌کنند. مجلس نمی‌تواند در اینگونه موارد ورود پیدا کند و پیگیری کند که آیا آن نماینده بن کالا را برای خانه‌اش یا مردم استفاده کرده است. سوءظن باید خیلی قوی باشد که در مورد نماینده یا وزیری بگوییم که بن کالا را آنها خودشان مصرف کرده‌اند یا به مردم داده‌اند.

جنجال رسانه‌ای

«حمید رسایی»، عضو جبهه پایداری مجلس: این دستگاه‌ها مبالغ ناچیزی به‌عنوان واسطه در اختیار نمایندگان می‌گذارند و نمایندگان از باب کمک این مبالغ را در اختیار مردم قرار می‌دهند در حالی که گزارش تحقیق‌وتفحص و حاشیه‌های آن سبب سوءتفاهم و هجمه به مجلس شده است. گویی که مجلس و نمایندگان تخلف یا دزدی کرده‌اند. هرکس تخلفی در سازمان تامین‌اجتماعی کرده باشد باید با آن برخورد شود، حتی اگر نماینده مجلس باشد. ولی از این حاشیه به شکل سیاسی بهره‌برداری می‌شود. ابتدا اعلام شد ۳۷نماینده بن کارت دریافت کرده‌اند، بعد اعلام شد این افراد ۱۵۰نفر هستند و بعد از آن هم گفته شد که در همه دوره‌های مجلس از این ارتباطات با سازمان‌هایی همچون کمیته امداد، بهزیستی، هلال احمر و تامین‌اجتماعی وجود داشته است. همه نمایندگان در همه دوره‌ها با این دستگاه‌ها که کارشان کمک به افراد تحت پوشش است، ارتباط داشته‌اند و مبالغی به‌عنوان واسطه در اختیار نمایندگان قرار می‌گرفت. همه می‌دانند رییس‌جمهوری، رییس قوه‌قضاییه و رییس مجلس بودجه «خارج از شمول» در اختیار دارد که رییس مجلس بخشی از این بودجه را باید در اختیار نمایندگان قرار دهد. این به دلیل اعتمادی است که دستگاه‌ها به نمایندگان دارند و این جرمی نیست و شما باید به‌عنوان هیات‌رییسه اعلام کنید. این مبالغ با حجم مراجعات به نمایندگان کم است، اکنون وزارت ارشاد به روزنامه‌ها کمک مالی می‌کند و بن کتاب در اختیار آنها قرار می‌دهد، چرا برای آنها تیتر نمی‌زنند؟ حتی نمایندگان مبالغی از هزینه خود را روی این مبالغ می‌گذارند و به مردم می‌دهند اما قضایی در مطبوعات ایجاد شده که این خیانت در حق نظام و مجلس است. اگر نماینده‌ای تخلف کرده هیات نظارت بر نمایندگان و دستگاه قضایی حتما باید با آن برخورد کند.

«بودجه خارج از شمول» غیرقانونی نیست

«عبدالرضا مصری» عضو کمیسیون اجتماعی مجلس: بر اساس قانون بودجه‌هایی برای استفاده خارج از شمول در اختیار برخی مدیران قرار می‌گیرد که خرج‌کردن از آن بر اساس سلیقه مدیر غیرقانونی نیست. بر اساس قانون، بودجه‌ای در قالب خارج از شمول در اختیار دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها قرار دارد که بر اساس قانون می‌توانند خارج از شمول به سلیقه خود مصرف کنند. در گزارش تحقیق‌وتفحص‌ها گاهی به اختیارات قانونی عناوین مجرمانه داده می‌شود که بر این اساس پرونده‌های تحقیق‌وتفحصی که به دادگاه‌ها می‌روند، به نتیجه نمی‌رسند و قاضی نمی‌تواند کسی را محکوم کند زیرا به عملی عنوان مجرمانه می‌دهیم که جرم نیست.

ادامه در صفحه ۸